

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: هوادار پورتال

فرانک ریگر - ترجمه محمد ربوبی

۳۰ مارچ ۲۰۱۱

ویکی لیکس:

دوران اسرار و پنهان کاری سپری شده است

- اصل ماجرای ویکی لیکس، پیشرفت تکنولوژی است.
- دستاورد و خدمت ماندگار جولین اسانژ و همکارانش این است که نشان داده اند، می‌توان با تلفیق درست تکنولوژی، شجاعت و در نظر گرفتن پیامد کار، مدل تثبیت شده و حاکم بر تولید انتشارات و افکار عمومی جامعه را دگرگون کرد.
- واقعیت تلخ و کثیف این است که اینترنت فضای آزاد و همگانی نیست.
- جامعه به نیروی درخشان و شفاف پالایش نیازمند است، تا فساد، زد و بندهای مشکوک و تباهی اخلاق مهار شود.
- پیدایش پلتفرم‌های لیکینگ که کاربرد دارند، برای انسان‌هایی که هنوز آرمان و ایدالی دارند و وجدان شان تباه نشده است دریچه‌ای گشوده شده ناراحتی وجدان خود را تسکین دهند.
دسترسی همگان به اطلاعات شرط روشنگری است. کسی وعده نداده که این اطلاعات خوب، سرگرم کننده یا مطبوع و خوش آیند است. هیچ یک از مراحل شتابان عصر روشنگری در سده‌های اخیر، نشانی از خوش آیندی یا چشم پوشی از خرد کردن اعصاب افکار عمومی و جامعه ندارد. اطلاع از آنچه که واقعا به وقوع پیوسته، پی بردن به کنه واقعه و درک روابط آن، انگیزه و موتور دگرگونی و پیشرفت و ترقی است. بدین منظور، گزارش وقایع دستکاری و بزک شده که سیاست در پیش گرفته کافی نیست. البته مناظرات رو در روئی کاندیدهای ریاست جمهوری‌ها پیش از انتخابات در رسانه‌های تصویری مطابق با واقع و سرگرم کننده هستند، اما اگر یادداشت‌های محل کار سیاستمداران منتشر شوند وضعیت به گونه دیگری است.
دولت‌ها عرصه خصوصی ندارند. دولت‌ها اسراری دارند که می‌خواهند محفوظ بمانند. این امر که دولت‌های جهان چگونه اسرار خود را محفوظ می‌دارند بستگی به این دارد تا چه حد می‌توانند از آنها مواظبت کنند. تدارکات تکنیکی

حفاظت از اسرار امریکائی‌ها که *ویکی‌لیکس* وارد آنها شده، پس از دستورات فوری برای محافظت از آنها هم نشان می‌دهد که کافی نیستند. حتی مراکز پژوهشی صنایع المان تکنیک‌های حفاظتی موثرتری دارند. اگر کسی وارد مراکز پژوهشی کنسرن‌های اتومبیل‌سازی و یا مراکز پژوهشی کارخانه‌های ساخت چیب شود و تدارکات امنیتی و حفاظتی آنها را با امریکائی‌ها مقایسه کند، شگفت زده خواهد شد.

اصل ماجرای *ویکی‌لیکس* پیشرفت تکنولوژی است. این واقعیت که اطلاعات در پراتیک فقط از طریق دیزیتال به کار گرفته و منتشر می‌شوند، این واقعیت که ابزار حامل اطلاعات برای بیرون کشیدن مخفیانه انبوهی از اطلاعات همه جا در دسترس همگان است، یکی از جنبه‌هاست: کلیه آنچه که *ویکی‌لیکس* تاکنون منتشر کرده بر روی کارتی که به اندازه ناخن انسان است ثبت و ضبط شده است. جنبه دیگر این است که اینترنت ساختار زیربنائی انتشار گلوبال اطلاعات است و پنهان کردن فرستنده اطلاعات و انتقال سریع آن با کمترین هزینه امکان دارد.

پلاتفرم *ویکی‌لیکس* سرعتش را با سرعت اینترنت انطباق داده. *براین میان ویکی‌لیکس مانند گذشته انباری از اطلاعات «احمق» نیست* که هر کسی می‌تواند آنها را به کار ببرد. *ویکی‌لیکس* فارغ از این‌هاست. مبنای تفکر رسانه‌ها انتشار اخبار و اطلاعات اختصاصی و انحصاری است. موقعی که مواد خام واقعه ای در اختیار همگان قرار می‌گیرد به ندرت روزنامه ای به آن واقعه می‌پردازد. روزنامه‌ها فقط برای تحقیق وقایع و ماجراهای اختصاصی و انحصاری نیرو و وقت صرف می‌کنند. در پاسخ به این انتقاد که *ویکی‌لیکس* سامانه رسانه ای نیست و از اینرو نمی‌تواند از همان ایمنی که شامل رسانه‌ها می‌شود برخوردار باشد، *ویکی‌لیکس* ستراتیژی پلاتفرم خود را تغییر داده است.

انتقاد دیگری که به شدت تمام مطرح شده، فقدان بی طرفی *ویکی‌لیکس* است. این پلاتفرم مواد و مصالح اصلی خود را به طور کامل منتشر کرده است، آنچه که فرستنده‌های تلویزیونی چنین کاری نمی‌کنند. دور اخیر تحول و تکامل تدریجی پلاتفرم *ویکی‌لیکس* حاوی گزارشات ارتش امریکا در باره افغانستان و عراق است، که همکاران رسانه‌های هم پیمان این پلاتفرم، این گزارشات را به طور مستقل بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و از آن‌ها داستان یا روایتی ساخته‌اند، در حالی که *ویکی‌لیکس* فقط مواد خام را برای آنها آماده کرده است. به این انتقاد که در این مواد خام نام‌های اطلاع دهندگان به اندازه کافی زوده نشده‌اند، در «Cablegate» [با این عنوان، *ویکی‌لیکس* دویست و پنجاه هزار سند منتشر کرد، مترجم] مدل تکامل یافته‌تری انتخاب شده است: به جای انتشار یک‌جای تمامی اطلاعات، گزارشات و پیام‌های فوری، به تدریج و خرده خرده منتشر شده‌اند. در مباحث اغلب نادیده گرفته می‌شود که اسامی افراد و جزئیاتی که سبب شناسائی مخبرین می‌شوند به منظور محافظت آنها زوده شده است. بنا براین *ویکی‌لیکس* کوشش می‌کند با اطلاعات یا داده‌ها کاملاً مسؤولانه برخورد کند. این امر که آیا کافی است آینده نشان خواهد داد.

مباحث در باره آنچه که با آخرین ضربه کاری *ویکی‌لیکس* در رسانه‌های المانی بازتاب یافته نشانه ای است از طیفی کوتاه بینی و ناهمخوانی‌ها: از توهین‌های خشمگین روزنامه نگاران پژوهشگری که حق ندارند به این اطلاعات انحصاری دسترسی یابند، اما خود را بانزاکت تر از این می‌دانند اطلاعاتی را که منتشر شده بررسی و تجزیه و تحلیل کنند، تا اظهارات بدون فاکت اشخاص و رسانه‌هایی که بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند. انتقادهای کوتاه نظرانه است، چون انتقادهای از *ویکی‌لیکس سابق* است که اینک وجود ندارد. در این میان موضوعاتی هست که می‌شود از آنها انتقاد کرد. از جمله، انتقاد از بت ساختن مضحک شخصیت *جولین اسانثر*. هم چنین انتقاد از فقدان

توضیحات و روشن‌گری در باره ترتیب و تنظیم اطلاعات منتشر شده و معیارها و ضوابطی که بر مبنای آنها اطلاعات در رسانه‌ها ویراستاری می‌شوند.

در این مورد، کار هم پیمان ویکی‌لیکس، «مجله اشپیگل» آلمان، چندان افتخار آمیز نیست. در این مجله جز چند اشاره مبهم و گنگ چیزی دستگیر خواننده نمی‌شود. همچنین آماده کردن و ویراستاری کند اطلاعات و فقدان شهادت انتشار منابع اصلی نشان مشکلات و دشواری های نقش مجله است که بتواند انتظارات خوانندگان را برآورده کند. تاکنون فقط «گاردین» انگلیس با شور و شوق تمام، شانس ایجاد مشروعیت و حقانیت نوین رسانه‌ها را از آن خود کرده و مسیر نوینی به سوی آماده کردن، تجزیه و تحلیل و همکاری متقابل با خوانندگان و پی گرفتن پژوهش را شکوفان کرده است. مسأله ویکی‌لیکس، مسأله آینده رسانه‌های موجود است، مسأله مدل اداره کردن آنها و میانی اقتصادی، ایده‌ئی، اخلاقی و اجتماعی کارشان است.

رادیكال بودن انگیزه ویکی‌لیکس هم چنین در توانائی و استعداد آموختن دینامیک مدل انتشار است. این امر که این قابلیت انعطاف در شرایط حملات سیاست امریکا و علاقه جنون آمیز به زندگی خصوصی آسانز و مشکلات حقوقی آن در سویدن به جایی خواهد رسید یا نه، آینده نشان خواهد داد.

حتی اگر ایالات متحده امریکا موفق شود ویکی‌لیکس را فلج کند، به پیروزی افتخار آمیزی نایل نخواهد شد. دستاورد و خدمت ماندگار جولین آسانز و همکارانش این است که نشان داده اند می توان با تلفیق درست تکنولوژی، شجاعت و درنظر گرفتن پیامد کار، مدل تثبیت شده و حاکم بر تولید انتشارات و افکار عمومی جامعه را دگرگون کرد. مخفی کاری‌های فراگیر و فزاینده ای که به نام امنیت، نه فقط از یازدهم سپتامبر دوهزار و یک، بلکه پیش از آن جهان دچارش شده با دیربیتال کردن کلیه اطلاعات آغاز شده است. البته اکنون موانعی ایجاد خواهد شد تا از ولنگاری آنهائی که با اطلاعات حساس سرو کار دارند کاسته شود. اما حتی اگر دست راستی‌های افراطی در ایالات متحده امریکا موفق شوند به منظور ایجاد ترس و وحشت چند پیشرو را به صلیب بیاویزند، ایده آنها را نمی‌توانند به بند کشند. کار از کار گذشته است.

در سراسر جهان شبکه های آلترناتیو ویکی‌لیکس پدید می آیند. سطح تکنیکی آنها متفاوت خواهد بود. اما رقابت، این شبکه ها را به سطح برتری ارتقاء خواهد داد، حتی اگر هم برای لیکرهای بالقوه دشوار شود پلاتنرم مورد اعتماد و اطمینانی انتخاب کنند. چند پلاتنرم نوین مرحله بعدی آموختن مجدد از آن را تحقق خواهند بخشید و تجربیات ویکی‌لیکس در مورد رسانه‌ها و نقش آنها را بیش از پیش در نظر خواهند گرفت. حتی اگر مستقیما در روزنامه‌ها منتشر نشود. پروژه‌های دیگری شاید راه‌های رادیكال‌تری در پیش گیرند و به نقش اعتدال گرایانه رسانه‌های سنتی اعتناء نکنند. اما اکنون هر قدر شدیدتر و غیر قانونی تر علیه ویکی‌لیکس اقدام شود، جانشین‌های آن رادیكال تر و بی پروا تر و اکنش نشان خواهند داد. تکنولوژی ایجاد سامان و پلاتنرم‌های لیكس مجازی، بدون نام و نشان وجود دارد که عملا هر اسی از دستبرد به جان و مال و آزادی خود نخواهند داشت.

اقدامات ایالات متحده امریکا علیه انتشارات نا خوشایند که به هیچ روی مبنای قانونی ندارند قابل مقایسه است با تلاش دستور دادن به خمیر کردن نشریات، تلاش به منظور جلوگیری از انتشار آنها و توقیف پول‌های دریافت شده از خرید آنها. مؤسسات و بنگاه‌های پخش، مانند آمازون که وادار می‌شوند ویکی‌لیکس را از سرور خود خارج کنند. ارسال پول - که در مورد ویکی‌لیکس کمک‌های مالی است - در اثر نفوذ تقریبا انحصاری Visa و Paypal قطع شده است. نشانه وضعیت بسیار ضعیف حقوقی اقدام این مؤسسات مالی این است همین که وکیل

Wau-Holland- Stiefung که بخشی از کمک‌های مالی به ویکی‌لیکس را اداره می‌کند، فوراً دست به کار شد، این مؤسسه نقل و انتقال پول را از سرگرفت.

فراخوان‌های خشمگین که بایکوت آمازون را درخواست کردند و حملات اینترنتی مسدود کردن آن برای پرداخت پول، بخشی از جنگ نیست. جنگ‌ها بین دولت‌ها به وقوع می‌پیوندند و ویرانی‌های عظیمی به بار می‌آورند. مقایسه سطح تکنیکی اسلحه سایبری، مثلاً ویروس Stuxnet که به منظور خرابکاری در مراکز سانتریفوژهای اوران در ایران به کار گرفته شد و با برنامه ساده‌ای به طور ناگهانی انجام گرفت، آشکارا نشان داد که این اقدام رو در روئی جنگی نیست. سایت برخی مؤسسات اعتباری نیز مدت کوتاهی در دسترس نبود، درست مانند صفحه اصلی ویکی‌لیکس که بنا بر گفته خودشان از سوی چند آنلاین خصوصی هوادار دولت آمریکا مسدود شده بود.

مناقشات بر سر ویکی‌لیکس که در سطح زیر بنائی نیز در گرفت، یعنی در زمینه وب سرور و انتقال پول، شگفتی آور نیست. اما واقعیت تلخ و کثیف این است که اینترنت فضای آزاد و همگانی نیست و انتشار در شبکه‌ها تا حدود زیادی به شرکت‌هایی که سرورها را اداره می‌کنند و اطلاعات را انتقال می‌دهند و انتقال پول‌ها را کنترل می‌کنند وابسته است. وضعیت حقوقی انتشارات، که در ایالات متحده آمریکا بنا بر قانون اساسی از آزادی‌های وسیعی برخوردارند، ناگهان از این پس اهمیتی ندارد و نقشی ایفا نمی‌کند. بسیاری از شرکت‌های اینترنتی از آمریکا اداره می‌شوند و به حکومت آمریکا وابسته‌اند. و حکومت آمریکا از این وابستگی در نخستین حملاتش علیه ویکی‌لیکس استفاده کرد، کاملاً بدون مبنای حقوقی. البته این حملات کمکی نکرد، چون در این میان سرور ویکی‌لیکس اکنون در هزاران کامپیوتر در سراسر جهان منعکس شده است. خارج کردن این اطلاعات از این شبکه‌ها غیر ممکن است. سؤال این است که حکومت ایالات متحده آمریکا از این پس چه راهی انتخاب می‌کند تا لیکرهای ناخوش آیند را خفه کند.

حکومت‌های قاره اروپا موظفند از نفوذ خود به منظور اعتدال برهم پیمان‌شان در آن‌سوی اطلانتیک تاثیر گذارند، نه این که اقدامات غیرقانونی آنجا را نا دیده بگیرند. هرگاه ایالات متحده آمریکا به «اقدامات ضد ترور» که به آن‌ها عادت کرده‌اند، متدھانی مانند آدم ربائی، قتل‌های سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سابوتاژ به کار برند، انگیزه‌ای خواهد شد برای جنبش‌های اعتراضی در سراسر جهان که علیه حکومت‌های اروپا نیز به وقوع خواهد پیوست.

کسی که به ایدال‌های عصر روشنگری و حقوق اساسی آزادی بیان خدشه وارد کند دیگر نخواهد توانست به آنها استناد کند. در درگیری‌های آینده با روسیه و چین، جالب بودن نظام‌های اجتماعی مطرح خواهد بود. این امر که دفتر پرزیدنت روسیه، مدودف، پیشنهاد کرده است جایزه صلح به جولین اسانژ اهداء شود، نشان می‌دهد روسیه نقطه ضعف ایدئولوژی غرب را در این مورد شناخته است. نا دیده گرفتن یا تأیید ضمنی و بی‌سر و صدای کارزار جنون آمیز آمریکا علیه ویکی‌لیکس را هیچ یک از کشورهای اروپا نخواهند بخشید. دست کم در آینده، موقعی که اسناد و مدارک مشابهی آشکار شوند، این سؤال مطرح خواهد شد که در باره این افشاگری‌ها چه کسی چگونه واکنش نشان خواهد داد. در آینده هر اقدامی به منظور کنترل اطلاعات و سانسور شبکه‌ها شبیه اقدامات علیه ویکی‌لیکس تلقی خواهد شد. در هر گفت و گو و بحث در باره مسدود کردن شبکه یا مسدود کردن فهرست‌ها باز هم پای ماجرای ویکی‌لیکس به میان خواهد آمد و نقش قاطعی ایفا خواهد کرد.

حکومت‌های جهان غرب از این پس باید مشکلاتی را که پیش آمده برطرف کنند. نخست باید راه حلی بیابند که چگونه می‌توانند با حد اقل اسرار و پنهانکاری حکومت کنند. لیک نشان داد کلیه اقداماتی که امروز به عنوان

محافظت و ایمنی اسرار حکومتی و جلوگیری از افشای آنها در پیش گرفته شده غیر ممکن است. اگر فقط به این اکتفاء شود که اطلاعات حساس را - به طور مثال، نام مخالفان در رژیم‌های دیکتاتوری - پنهان نگهداشت، می شود چنین اطلاعاتی را به طور موثر محفوظ نگهداشت. برای سایر امور باید اشکالی از حکومت کردن پیدا کرد که اگر جامعه از جزئیات آنها مطلع شود، حکومت ناگهان به بحران عمیق دچار نشود. حکومت کردن در شرایط شفافیت دیجیتال - که مقامات و مؤسسات امنیتی با علاقه ای مفرط به شهروندان دستور می‌دهند - چالش دهه‌های آینده است. شفافیت بیشتر و درستکاری امتیازات دیگری هم دارد: ظهور لیکرهای بالقوه کمتر با وجدانی معذب و سرخوردگی و محتملا بار دیگر شرکت کنندگان بیشتر مردم در انتخابات.

در خاتمه به این شناخت می‌رسیم: لیکر به آسانی و بدون خطر جدی برای اشخاص امکان دارد. و شمار انسانی که برای خدمت به حکومت‌ها و کنسرن‌های بزرگ پشت کامپیوتر نشسته و کار می‌کنند و با این مشکل رو به روهستند که واقعیت تمسخرآمیز و اغلب سخیف کار روزانه شان را با ایدال‌های اصولی سازگار کنند، پیوسته بیشتر می‌شود. علت و دلایل زیادی وجود دارد که چنین خواهند کرد: بی معنی و بی فایده بودن جنگ‌های بی پایان، گسترش تأثرهای دستگاه‌های امنیتی که کمتر علیه تروریست‌ها و بیشتر علیه آزادی فرد انسان‌ها بازی می‌شود. و نیز گسترش فساد سیستماتیک و کسب امتیازات بی بند و بار در کشورهای غربی و فقدان تقریبا کامل درستکاری در سیاست و در زندگی اقتصادی. همه این‌ها به طور اجتناب ناپذیر به اعتراض و ستیز منجر می شوند.

جامعه به نیروی درخشان و شفاف پالایش نیازمند است تا فساد، زد و بندهای مشکوک و تباهی اخلاق را مهار کند. جای تأسف است مطبوعات سنتی که این فونکسیون ویژه برعهده آنها ست، به خاطر مشکلات مالی و اقتصادی و نیز کنار آمدن و لاس زدن با صاحبان قدرت این وظیفه خاص خود را هنوز هم با سهل انگاری انجام می‌دهند. پیدایش پلتفرم‌های لیکینگ که کار برد دارند، برای انسانی‌هایی که هنوز آرمان و ایدالی دارند و وجدانشان تپاه نشده دریچه ای گشوده شده ناراحتی وجدان خود را تسکین دهند. این پلتفرم‌ها وسیله ای است علیه نا امید شدن از وضعیت کنونی جهان و امکانی است که از مسئولین چنین وضعیتی بازخواست شود. تردیدی نیست انسان‌های با وجدان از این وسیله استفاده خواهند کرد.

Frank Rieger ، مدیر یک شرکت ایمنی ارتباطات

برگرفته از بخش ادبی ، ۱۵. Dez. ۲۰۱۰ , Frankfurter Allgemeine Zeitung